نام و نام خانوادگی :	باسمه تعالی	شماره صندلی :	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۱۰/۰۶
نام درس: املا	اداره کل آموزش وپرورش استان البرز		ساعت امتحان : ۹صبح
نوبت و سال تحصیلی : نوبت اول ۱۴۰۳-۱۴۰۲	مدیریت آموزش وپرورش ناحیه۳کرج	جای مهرآموزشگاه	وقت امتحان : ۳۰دقیقه
پایه : هفتم	دبیرستان غیردولتی پژوهان (متوسطه اول)		تعداد صفحه : / صفحه :
نمره به عدد : / نمره به حروف :	نام دبیر : استاد حاج حسینی امضاء	نمره تجدید نظربه عددوحروف :	امضاء

متن زیر را بادقت بخوانید؛ بیست غلط املایی آن را یافته و درست آن را بنویسید.

من به هیچ وجه قبول نمی کنم حرف ها و تهلیل های کسانی را که گاهی در برخی مطبوعات یا رسانه ها حرف از انهراف نسل جوان میزنند.این طور نیست.این ها چرا صلاح و پاکدامنی و سداقت این جوانان را نمی بینند.

متخصصان و دانشمندان جهانی مجبور شده اند اعتراف کنند که جوانان ما با پشتوانهٔ ایمان و همت و قیرت توانسته اند استعداد جوشان و پنهان خود را آشکار کنند.
امروز وطع ما با چندسال پیش زمین تا آسمان فرق کرده است.دنیا باور نمی کرد بسیجیان ما بتوانند خرمشهر را با آنهمه استحکاماتش پس بگیرند.

کژال قنداغه سفید روناک را باز کرد و به آزاد داد تا خون هایش را پاک کند.گرگ به خرناصه افتاده بود و کمی بعد دست و پایش از تقلا ایستاد.آزاد غلطید و فریاد کشید.کژال دوید که کمک بیاورد.آزاد هرچه غوه داشت به صاق و باذویش ریخت.

سرهای نحال های جوان و بوته های نوزاد خویش را به نشانهٔ احترام و وداع با من خم کرده بود و من در آخرین نقطهٔ دید صحرا از نضرم ناپدید میشد.سرم را برگرداندم و به احساسات خاموش و سرشار از پاکی این سبزه های ماصوم پاسخ گفتم.

در یکی ازسال های نوجوانی که کنجکاوی خستگی ناپزیری داشتم برای فراگرفتن و فهمیدن و به ویژه برای کشف کردن سری به طبیعت روستا زدم.

یاد دارم که در ایام طفولیت متعبد و شب خیز بودم.شبی در خدمت پدر نشسته بودم و مسحف عزیز برکنار گرفته و طایفه ای گرد ما خفته.پدر را گفتم از اینان یکی سر برنمی دارد که دوگانه ای بگزارد.چنان خواب قفلت برده اند که گویی مرده اند.

جوجه گنجشک گفت می خواهم فارق از سنگ بچه ها باشم

تاافق های دور کوچ کنم باز پیقمبر بهار شوم

Scanned with CamScanner